

المختصر المفيد للمسلم الجديد -
الإصدار الأخير (4-5-1443 هـ)
مختصر و مفيد برای مسلمان جدید

مختصر و مفید برای مسلمان جدید

تهیه شده توسط

محمد الشهري

۱۴۴۱ - ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ستایش از آن الله است، او را حمد گفته و از او یاری جسته و آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به الله پناه می‌بریم، آنکه الله هدایتش کند گمراهگری نخواهد داشت و آنکه گمراهش کند، هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز الله نیست که یگانه و بی‌شریک است؛ و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر و فرستاده‌ی اوست.

اما بعد:

الله تعالی بنی آدم را گرامی داشت و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خود برتری داد. پروردگار تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾

«و بی شک که فرزندان آدم را گرامی داشتیم». [اسراء:

۷۰] و بر بزرگداشت این امت افزود و بهترین پیامبرانش محمد - صلی الله علیه وسلم - را به سوی آنان فرستاد و بهترین

کتاب‌هایش قرآن کریم را بر ایشان نازل کرد و والاترین شرایع خود یعنی اسلام را برای آنان پسندید. الله تعالی می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

«[ای امت محمد،] شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار نیک فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به الله ایمان دارید؛ و اگر اهل کتاب [نیز] ایمان می‌آوردند، قطعاً برای‌شان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشتر آنان [فاسق و] نافرمانند». [آل عمران: ۱۱۰].

از نعمت‌های بزرگ الله تعالی بر انسان این است که بر او منت گذارد و به اسلام هدایتش کند و به او پایداری بر آن و عمل به احکام و شرایع آن را عطا نماید. در این کتاب که حجمی اندک اما محتوای ارزشمندی دارد، هدایت‌یافته نو مسلمان آنچه باید در آغاز اسلام بداند به روشی مختصر می‌آموزد و به این ترتیب اساسی‌ترین شاخصه‌های این دین بزرگ را برای او روشن می‌کند؛ تا آن را خوب بفهمد و به مقتضای آن عمل کند و در مسیر طلب علم و افزودن بر دانسته‌های خود حرکت کند تا به شناختش نسبت به پروردگار تعالی و پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - و دینش اسلام بیفزاید و در نتیجه الله تعالی را بر اساس علم و بصیرت

عبادت کند و به آرامش قلبی دست یابد و ایمانش با نزدیکی بیشتر به الله تعالی از طریق عبادت و پیروی سنت پیامبر محمد -صلی الله علیه وسلم- بیشتر شود.

از الله تعالی خواهانم که در هر کلمه این کتاب برکت قرار دهد و به وسیله آن اسلام و مسلمانان را بهره‌مند گرداند و خالصانه برای خودش قرار دهد و اجر آن را برای همه مسلمانان -زندگان و مردگان- در نظر گیرد.

و صلوات الله متعال بر پیامبرمان محمد و بر خاندان ایشان و جمیع اصحابشان باد.

محمد بن شبیه الشهری

۲ / ۱۱ / ۱۴۴۱ هجری قمری

پروردگار من الله است

الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

«ای مردم، پروردگار خود را عبادت کنید، آن کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید». [بقره: ۲۱].

الله تعالی می‌فرماید:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

«اوست الله، آنکه معبود [به حق] نیست جز او». [حشر: ۲۲].

الله تعالی می فرماید:

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ)

«هیچ چیز مانند او نیست و اوست شنوای بینا». [شوری: ۱۱].

- الله پروردگار من و پروردگار هر چیز است، او مالک، خالق، رازق و تدبیرگر همه چیز است.

- و تنها اوست که شایستگی و استحقاق عبادت شدن دارد، پروردگار و معبودی جز او نیست.

- او دارای نام‌های نیک و صفات والاست. نام‌ها و صفاتی که خود و پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - برای او اثبات کرده‌اند و در اوج کمال و زیبایی هستند؛ چنانکه هیچ چیز مانند او نیست و او شنوای بیناست.

از جمله نام‌های نیک او:

رَزَاق (روزی دهنده)، رحمان (آنکه رحمتش همه چیز را در بر گرفته)، قَدِير (آنکه قدرتش بی‌کران است) مَلِك (فرمانروا)، سَمِيع (شنوا)، سلام، بصیر (بینا)، وکیل، خالق، لطیف، کافی، غفور.

رَزَاق: آنکه روزی بندگان را که قوت قلب و جسم‌های‌شان وابسته به آن است، بر عهده گرفته است.

الرحمان: دارای رحمت گسترده و بزرگ که همه چیز را بر گرفته است.

القَدیر: آنکه دارای قدرتِ کامل است و هیچ ناتوانی یا سستی به آن راه نمی‌یابد.

المَلِک: آن کسی که به صفات عظمت و چیرگی و تدبیر موصوف است، آنکه مالک همه چیز است و در آن تصرف می‌کند.

السمیع: آنکه همهٔ شنیدنی‌ها را چه پنهان و چه آشکار درک می‌کند.

السلام: سالم از هرگونه نقص و آفت و عیب.

البصیر: کسی است که بینایی‌اش همه چیز - حتی چیزهای ظریف و کوچک - را در بر گرفته است؛ آن که نسبت به همه چیز دارای بصیرت است و از باطن آن آگاه می‌باشد.

الوکیل: آنکه روزی بندگان را بر عهده گرفته و به امور آنها بنا بر مصلحت‌شان می‌پردازد و کسی است که امور دوستان را بر عهده دارد و کارهای آنان را برای آنان میسر و آسان می‌سازد و خود برای کارهای‌شان کافی است.

الخالق: پدید آورندهٔ اشیا و مخترع آنها بدون نمونه پیشین.

اللطیف: آنکه بندگان را گرامی می‌دارد و مورد رحمت قرار می‌دهد و درخواست‌شان را به آنان عطا می‌کند.

الکافی: آنکه بندگان را با هر آنچه بدان نیازمندند کفایت می‌کند؛ و آنکه یاری‌اش انسان را از هر یاری دیگری و هر کس دیگری بی‌نیاز می‌کند.

الغفور: آنکه بندگان را از شر گناهان‌شان نگره می‌دارد و آنان را به سببش مجازات نمی‌کند.

مسلمان در خلقت شگفت‌انگیز خداوند و روند آن می‌اندیشد؛ از جمله مراقبت موجودات از فرزندان کوچک‌شان و غذا دادن و توجه به آنان تا آنکه روی پای خود می‌ایستند. پاک و منزّه است آفریدگارشان که در حق آنها لطف می‌کند و از جمله لطف او این است که با همه ضعف‌شان موجودی را مسخر می‌گرداند که به یاری‌شان بشتابد و اوضاع‌شان را رتق و فتق نموده و بهبود بخشد.

پیامبرم . محمد صلی الله علیه و سلم . است

الله تعالی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

«یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سوی‌تان آمد که رنج دیدن‌تان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است.» [توبه: ۱۲۸].

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

«و [ای محمد،] تو را جز رحمتی برای جهانیان
نفرستادیم». [انبیاء: ۱۰۷].

محمد - صلی الله علیه وسلم - رحمتی است که به جهانیان
هدیه شده است.

او محمد بن عبدالله -صلی الله علیه وسلم- است، خاتم انبیاء
و رسولان؛ الله تعالی او را با دین اسلام به سوی همه مردم
فرستاد، تا آنان را به خیر و خوبی راهنمایی کند که
بزرگترین خیر و خوبی، توحید است؛ و آنان را از شر باز
دارد که بدترین آن، شرک است.

اطاعت از او در آنچه امر می‌کند و تصدیق او در آنچه
خبر می‌دهد و دوری از آنچه نهی می‌کند و باز می‌دارد واجب
است؛ و نباید الله را عبادت کرد مگر به همان شکلی که او
خود مشروع ساخته است.

رسالت او و رسالت همه پیامبران پیش از او، دعوت به
عبادت الله واحد و یکتا بوده است، بی آنکه شریکی برای او
قائل گردد.

از ویژگی‌های ایشان - صلی الله علیه وسلم - عبارت است
از:

صداقت و راستی، مهربانی، شکیبایی، صبر، شجاعت،
بخشش و بزرگواری، خوش اخلاقی، عدالت، تواضع و
گذشت.

قرآن سخن پروردگار من است

الله تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾

«ای مردم! در حقیقت برای شما برهانی از جانب پروردگارتان آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک نازل کردیم». [نساء: ۱۷۴].

قرآن کریم همان کلام الله تعالی است که بر پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل کرده تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد و به راه راست و مستقیم هدایت کند.

کسی که آن را بخواند پاداشی بس بزرگ دارد و آنکه رهنمودش را عملی سازد، راه درست را پیموده است.

آشنایی با ارکان اسلام:

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ). «اسلام بر پنج [رکن] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است و برپا داشتن نماز و دادن زکات، و روزه ماه رمضان و حج بیت الله الحرام».

ارکان اسلام عباداتی هستند که بر هر مسلمانی انجام آنها لازم و واجب است و اسلام شخص درست نخواهد بود مگر

اینکه به واجب بودن و اقرار به همه-ی آنها معتقد باشد؛ زیرا اسلام بر این ارکان بنا شده است و از این رو آنها را ارکان اسلام می‌نامند.

این ارکان عبارتند از:

رکن نخست: گواهی دادن به اینکه معبودی به حق جز الله نیست و اینکه محمد پیامبر الله است.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾

«پس بدان که معبودی [به حق] نیست جز الله». [محمد: ۱۹].

و الله تعالی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

«یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سوی‌تان آمد که رنج دیدن‌تان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است». [توبه: ۱۲۸]

معنای شهادت لا اله الا الله: معبودی به حق جز الله نیست.

معنای گواهی دادن به اینکه محمد فرستاده الله است: اطاعت از او در آنچه امر می‌کند و تصدیق او در آنچه خبر

می‌دهد و دوری از آنچه نهی می‌کند و بازمی‌دارد؛ و اینکه نباید الله را عبادت کرد مگر به همان شکلی که خود مشروع ساخته است.

رکن دوم: برپا داشتن نماز.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ﴾

«و نماز را برپا دارید». [بقره: ۱۱۰].

برپا داشتن نماز با ادای آن به همان شکلی است که الله تعالی مشروع ساخته و پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - به ما آموخته است.

رکن سوم: پرداختن زکات.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾

«و زکات را بپردازید». [بقره: ۱۱۰].

الله تعالی زکات را از باب امتحان صدق و راستی ایمان مسلمان و برای شکرگزاری او از پروردگارش به سبب نعمت مال که به او عطا کرده و جهت یاری فقرا و نیازمندان فرض نموده است.

و پرداخت زکات با دادن آن به مستحقان می‌باشد.

زکات حقی است واجب در مالی که به مقدار معینی رسیده است. این مقدار به گروه‌های هشتگانه‌ای داده می‌شود که الله متعال در قرآن کریم ذکر نموده است؛ از جمله فقرا و مساکین (بینوایان).

ادای آن انسان را به صفات رحمت و عطوفت مزین می‌سازد و پاک شدن اخلاق و اموال مومن و رضایت و خشنودی قلبی فقرا و مستمندان و تقویت پیوندهای محبت و برادری در میان افراد جامعهٔ مسلمان را به همراه دارد؛ از همین رو مسلمان نیکوکار زکات را با طیب نفس و رضایت کامل پرداخت می‌کند، زیرا این کار باعث شادی سایر مردم می‌شود.

میزان زکات 2.5 درصد (یک چهلیم) از اموال ذخیره شدهٔ فرد - شامل طلا و نقره و پول نقد و کالاهای تجاری مخصوص خرید و فروش به هدف سود بردن - است، اگر مقدار این اموال به حد معینی برسد و یک سال کامل از مالکیت آنها بگذرد.

همینطور پرداخت زکات بر کسی که تعداد معینی از چهارپایان اهلی (شتر و گاو و گوسفند) داشته باشد، واجب است؛ و این در صورتی است که حیوانات مذکور بیشتر سال را از علف زمین چرا کرده باشند و صاحب‌شان علوفهٔ آنها را تامین نکرده باشد.

همینطور زکات بر چیزهایی واجب است که از زمین روئیده و خارج شود از جمله حبوبات و میوه‌ها و معادن و گنج، در صورتی که به حد معینی برسد.

رکن چهارم: روزه ماه رمضان

الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید». [بقره: ۱۸۰].

رمضان، ماه نهم سال در تقویم هجری قمری است. این ماه نزد مسلمانان ماه بزرگی است و جایگاه خاصی در میان ماه‌های سال دارد؛ و روزه گرفتن همه این ماه، یکی از ارکان پنجگانه اسلام است.

روزه رمضان: دست نگه داشتن از خوردن و نوشیدن و جماع (رابطه جنسی در محل شرمگاه) و دیگر باطل کننده‌های روزه، از طلوع فجر تا غروب خورشید روزهای ماه مبارک رمضان، به قصد عبادت می‌باشد.

رکن پنجم: حج بیت الله الحرام.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾

«و برای الله حج آن خانه بر عهده مردم است، [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد». [آل عمران: ۹۷].

حج بر عهده کسی است که توانایی رفتن برای ادای آن را داشته باشد؛ و تنها برای یک بار در عمر واجب است. حج یعنی: قصد بیت الله الحرام و مشاعر مقدسه در مکه مکرمه برای ادای عباداتی خاص در زمانی معین. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و پیامبران دیگر پیش از او حج را به جای آورده‌اند و الله تعالی ابراهیم - علیه السلام - را امر نمود تا در میان مردم اعلام حج کند، چنانکه الله متعال در قرآن کریم خبر داده و می‌فرماید:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾

«و بین مردم برای [ادای] حج ندا بده تا پیاده و [سوار] بر هر [وسیله سفر یا] شتر لاغری، از هر راه دوری به سویت بیایند». [حج: ۲۷].

آشنایی با ارکان ایمان

از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره ایمان پرسیدند. ایشان فرمود: (أَنْ تُوْمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكِتَابِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُوْمَنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ). «[ایمان] آن است که به الله و ملائکه او و کتابهایش و پیامبرانش و روز آخرت باور داشته باشی و به تقدیر - خیر آن و شر آن - ایمان آوری».

ارکان ایمان مجموعه‌ای از عبادت‌های قلبی است که هر مسلمان ملزم به آن است؛ و اسلام شخص درست نیست مگر با اعتقاد به این موارد؛ به همین دلیل ارکان ایمان نامیده شدند؛ و تفاوت میان ارکان ایمان و ارکان اسلام این است که: ارکان اسلام همه اعمالی است آشکار و ظاهری که انسان با اعضا و جوارح خود انجام می‌دهد، مانند به زبان آوردن شهادتین و انجام نماز و دادن زکات؛ و ارکان ایمان اعمالی قلبی هستند [و پنهان] که انسان با قلب خود انجامش می‌دهد، مانند ایمان داشتن به الله و کتاب‌هایش و پیامبرانش.

مفهوم ایمان و معنای آن: ایمان یعنی تصدیق و باور قاطع قلبی به الله، ملائکه‌اش، کتاب‌هایش، پیامبرانش، آخرت و خیر و شر تقدیر و پیروی از هر آنچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آورده است، و تطبیق آن با زبان مانند گفتن لا اله الا الله و قرائت قرآن و تسبیح و تهلیل و ثنا و ستایش الله؛

و انجام آن با اعضا و جوارح ظاهری مانند نماز و حج و روزه ... و جوارح پنهان که به دل مربوط است، مانند دوست داشتن الله و خَشِیت او و توکل بر او و اخلاص برای او.

متخصصان این عرصه، ایمان را به طور خلاصه اینگونه تعریف می‌کنند: اعتقاد قلبی و گفتن زبانی و عمل با اعضا و جوارح که با طاعت بیشتر و با معصیت کم می‌شود.

رکن نخست: ایمان به الله

الله تعالی می‌فرماید:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ)

«همانا مؤمنان کسانی هستند که به الله ایمان آورده‌اند».

[نور: ۶۲].

مقتضای ایمان به الله این است که در ربوبیت (پروردگاری) و الوهیت (عبادت او) و نام‌ها و صفات او، یگانه‌اش بداریم، که این موارد را در بر می‌گیرد:

ایمان به وجود او سبحانه و تعالی.

ایمان به پروردگاری او سبحانه و تعالی و اینکه او مالک هر چیز و خالق هر چیز و روزی‌دهنده و تدبیرگر امور اوست.

ایمان به الوهیت او سبحانه و تعالی به این معناست که تنها او شایسته عبادت است و در هیچ عبادتی شریکی ندارد؛ در عباداتی مانند نماز و دعا و نذر و قربانی و استعانت و استعاذه و سایر عبادات دیگر.

ایمان به نامهای نیک و صفات والایی که الله خود برای خودش اثبات نموده یا پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - به او نسبت داده است و نفی هر نام و صفاتی که خودش نفی کرده یا پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - نسبت دادنش به الله متعال را نفی کرده است و اینکه نامها و صفات او در اوج کمال و زیبایی است و اینکه هیچ چیز مانند او نیست و او شنوای بی‌ناست.

رکن دوم: ایمان به ملائکه

الله تعالی می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَّتْنًى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

«ستایش الله را که پدید آورنده آسمان ها و زمین است [و] ملائکه را که دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند، پیام آورنده قرار داده است، در آفرینش هر چه بخواد می افزاید زیرا الله بر هر چیزی تواناست». [فاطر: ۱].

ایمان داریم که عالم ملائکه عالمی غیبی است و آنها بندگان الله هستند که آنان را از نور آفریده و آنان را مطیع و فروتن برای خود قرار داده است.

و آنان آفرینشی بس بزرگند که جز الله متعال کسی به قدرت و تعداد آنان آگاه نیست؛ و هریک ویژگی ها و نامها و وظایفی دارند که الله متعال به آنها اختصاص داده است؛ از جمله جبرئیل - علیه السلام - که مأمور وحی است و با آن از جانب الله بر پیامبران نزول می یابد.

رکن سوم: ایمان به کتاب های آسمانی

الله تعالی می فرماید:

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

«بگوئید: ما به الله ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] نازل گردید؛ و [همچنین] به آنچه به موسی و عیسی داده شده است؛ و به آنچه به پیامبران [دیگر] از طرف پروردگارشان داده شده است؛ [آری به همه آنان ایمان می‌آوریم] و میان هیچیک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما [همگی] تسلیم الله هستیم». [بقره: ۱۳۶].

باور و پذیرش قاطع اینکه همه کتاب‌های آسمانی کلام الله هستند.

و اینکه همه آنها با حق آشکار از جانب الله عزوجل بر پیامبرانش و به سوی بندگان نازل شده‌اند.

و اینکه الله سبحانه و تعالی با فرستادن پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - به سوی همه مردم، با شریعت او دیگر شرایع پیش از آن را نسخ نمود؛ و قرآن کریم را چیره بر دیگر کتاب‌های آسمانی و ناسخ آن قرار داد؛ و حفظ قرآن کریم از هرگونه تبدیل یا تحریف را بر عهده گرفته است. الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

«به راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن [از هرگونه تبدیل و تحریفی] هستیم». [حجر: ۹]. زیرا قرآن کریم آخرین کتاب الله تعالی به سوی بشر است و پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - آخرین

پیامبران است و دین اسلام همان دینی است که الله تا قیام
قیامت برای بندگان‌ش پسندیده است. الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

«همانا دین [حق] نزد الله، اسلام است». [آل عمران: ۲۰].

و کتاب‌های آسمانی که الله تعالی در کتابش از آنها نام برده
عبارتند از:

قرآن کریم: که الله متعال بر پیامبرش محمد - صلی الله علیه
وسلم - نازل نمود.

تورات: که الله تعالی بر پیامبرش موسی - علیه السلام -
نازل کرد.

انجیل: که الله تعالی بر پیامبرش عیسی - علیه السلام - نازل
نمود.

زبور: که الله تعالی بر پیامبرش داوود - علیه السلام - نازل
نمود.

صُحُف ابراهیم: الله تعالی این صحف را بر پیامبرش
ابراهیم - علیه السلام - نازل نمود.

رکن چهارم: ایمان به پیامبران

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

«و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید فقط] الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید». [نحل: ۳۶].

باور و پذیرش قاطع اینکه الله تعالی در میان هر امتی پیامبری فرستاده تا آنان را به عبادت الله به یگانگی و بدون شریک و کفر ورزیدن به هر چه جز او عبادت شود، فرا بخواند.

و اینکه همه آنان انسان و بنده الله بودند؛ و آنان راستگو و مورد تایید الله، متقی و امین، هدایتگر و هدایت شده‌اند؛ و الله متعال آنان را با معجزاتی که دال بر صداقت و راستگویی آنان است تایید می‌کند؛ و آنان همه مواردی را که الله متعال به آنان وحی نموده و رسالت‌شان بوده، ابلاغ کرده‌اند و اینکه همه آنان بر حق آشکار و هدایت روشن بوده‌اند.

و دعوت همه آنان از اولین تا آخرین‌شان در اصل دین یعنی توحید الله عزوجل در عبادت و شرک نیامورده به او، با یکدیگر موافق بوده است.

رکن پنجم: ایمان به آخرت

الله تعالی می‌فرماید:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

«الله [معبود بر حق است که] معبودی جز او نیست و یقیناً همه شما را در روز قیامت - که شکی در آن نیست - جمع می‌کند و کیست که از الله راستگوتر باشد». [نساء: ۸۷].

تصدیق قاطع هر آنچه مربوط به آخرت است و پروردگار ما عزوجل در کتاب گرامی‌اش ذکر کرده یا پیامبرمان محمد - صلی الله علیه وسلم - بیان کرده‌اند، مانند چگونگی وفات انسان و رستاخیز و برانگیخته شدن پس از مرگ و شفاعت و ترازوی اعمال و حسابرسی و بهشت و دوزخ و دیگر امور مربوط به آخرت.

رکن ششم: ایمان به خیر و شر تقدیر

الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾

«بی تردید، ما هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم». [قمر:

۴۹].

اعتقاد به اینکه هر آنچه برای مخلوقات در این دنیا رخ می‌دهد بر اساس علم الله سبحانه و تعالی و تقدیر اوست که یکتا و بی‌شریک است؛ و اینکه این تقدیرها پیش از آفرینش انسان نوشته شده‌اند و اینکه انسان دارای قصد و اراده است و کارهای خود را حقیقتاً خودش انجام می‌دهد؛ اما همه اینها خارج از علم و اراده و مشیت الهی نیست.

ایمان به تقدیر بر چهار مرتبه است:

نخست: ایمان به علم شامل و فراگیر الهی

دوم: ایمان به اینکه الله هر آنچه تا قیامت رخ می‌دهد، نوشته است.

سوم: ایمان به مشیت نافذ و قدرت کامل الهی، بنابراین هر آنچه بخواهد می‌شود و آنچه نخواهد نمی‌شود.

چهارم: ایمان به اینکه الله خالق همه چیز است و در آفرینش خود شریکی ندارد.

وضو را یاد می‌گیرم

الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

«همانا الله توبه کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد».

[بقره: ۲۲۲].

پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: قال صلی الله علیه وسلم "مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِي هَذَا، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ" «هرکس همانند این وضوی من وضو بگیرد، سپس دو رکعت نماز بخواند و در این دو رکعت حدیث نفس نکند، الله متعال گناهان گذشته‌ی او را می‌بخشد».

به سبب شان والای نماز، الله پاکیزگی پیش از آن را مشروع نموده و آن را شرطی برای درستی نماز قرار داده است؛ از این رو وضو کلید نماز است و درک فضیلت وضو

دل را برای ادای نماز مشتاق می‌سازد، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: (الطهور شطر الإيمان.. والصلاة نور). «پاکیزگی نصف ایمان است... و نماز، نور است».

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: (من تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ). «هر کسی وضو گرفت و آن را به بهترین صورت انجام داد، همه گناهانش از بدنش خارج می‌شوند».

اینگونه بنده با طهارت حسی وضو و با طهارت معنوی این عبادت (نماز)، مخلصانه با پیروی از روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به پروردگارش روی می‌آورد.

کارهایی که وضو داشتن برای آنها واجب است:

۱- نماز؛ هر نمازی چه فرض باشد چه نفل.

۲- طواف کعبه.

۳- لمس مُصْحَف (قرآن).

با آب طاهر و پاک غسل و وضو را انجام می‌دهم:

آب طاهر یعنی هر آبی که از آسمان باریده باشد یا از زمین جوشیده باشد و بر همان خلقت نخست خود باقی بماند؛ و هیچیک از اوصاف سه گانه آن، یعنی رنگ و مزه و بویش با چیزهایی که پاکی آب را از بین می‌برد، تغییر نکرده باشد.

وضو را یاد می‌گیرم

گام نخست: نیت که محل آن قلب است و نیت یعنی: قصد قلبی برای انجام یک عبادت جهت تقرب به الله تعالی.

گام دوم: شستن دو دست تا مچ.

گام سوم: مضمضه (شستن دهان با آب).

مضمضه یعنی: وارد کردن آب و گرداندن آن در دهان، سپس بیرون ریختن آن.

گام چهارم: استنشاق (شستن درون بینی با آب).

استنشاق: یعنی بالا کشیدن آب از طریق نفس تا ته بینی.

سپس استنثار: یعنی بیرون ریختن آب و هر آنچه در بینی است با فشار نفس.

گام پنجم: شستن صورت.

حد صورت:

صورت (وجه): آن چیزی است که مواجهه با آن رخ می‌دهد.

حد عرضی چهره: از گوش تا گوش است.

حد طولی چهره: از محل عادی رویش مو در بالای پیشانی تا پایان چانه.

شستن صورت در وضو شامل همه موهای کم پشت صورت و همینطور عذار و بیاض می‌شود.

بیاض: محل میان عذار و نرمه‌ی گوش است.

عذار: مویی است که بر روی استخوان برجسته موازی با
سوراخ گوش تا داخل سر می‌روید و قسمت پایین‌تر آن تا خود
گوش است.

همچنین شستن صورت همه موهای آشکار ریش پر پشت
و آویزان آن را در بر می‌گیرد.

گام ششم: شستن دستان که از نوک انگشتان دو دست آغاز
می‌شود و تا آرنج ادامه می‌یابد.

و آرنج نیز بخش واجب شستن دستان را در بر می‌گیرد.
گام هفتم: یک بار مسح همه سر با دو دست به همراه
گوش‌ها.

مسح را از جلوی سر آغاز می‌کند و تا پشت سر ادامه‌اش
می‌دهد، سپس دستانش را دوباره به جلوی سر باز می‌گرداند.
و انگشتان سبابه‌اش را داخل گوش‌هایش می‌کند.

و با انگشت شست، پشت گوش را مسح نموده و اینگونه
هم پشت گوش و هم داخل گوش را مسح می‌کند.

گام هشتم: شستن پاها از آغاز انگشتان دو پا به سمت
کعبین. شستن کعبین (استخوان برجسته دو طرف پا یا همان
قوزک‌ها) نیز فرض است.

کعبین: دو استخوان برجسته در پایان ساق پاست.
وضو با این موارد باطل می‌شود:

۱- هر آنچه از پس و پیش (مجرای مدفوع و ادرار) خارج شود، مانند ادرار و مدفوع و باد و منی و مذی.

۲- زوال عقل به واسطه خواب عمیق یا بیهوشی یا مستی یا جنون.

۳- هر آنچه غسل را واجب می‌سازد مانند جنابت و حیض و نفاس.

هرگاه انسان قضای حاجت نمود واجب است که نجاست را با آب طاهر از بین ببرد که این بهتر است، یا با هر چیزی غیر از آب طاهر که نجاست را از بین ببرد مانند سنگ و کاغذ و پارچه و مانند آن؛ به این شکل که پاک کردن با سه بار مسح موضع یا بیشتر و با وسیله پاک و مباح باشد.

مسح بر خفین و جوراب‌ها

در صورتی که خُف (موزه، پاپوش چرمی) یا جوراب پوشیده باشد، می‌تواند برای وضو بر روی آن مسح کند، بدون آنکه نیازی به شستن پاها باشد اما به چند شرط:

۱- اینکه آنها را پس از طهارت کامل از حدث اصغر و حدث اکبر پوشیده باشد و پاهایش را شسته باشد. (یعنی جنب نباشد و وضو داشته باشد، اما وضویی که در آن پایش را شسته باشد).

۲- اینکه خف‌ها پاک باشد و نجس نباشند.

۳- اینکه مسح در مدتی که مشخص شده، باشد (یک شبانه روز برای مقیم و سه شبانه روز برای مسافر).

۴- اینکه خف یا جوراب حلال باشد، یعنی دزیده شده یا غصبی نباشد.

خف یا موزه، پاپوشی است از چرم نازک یا شبیه آن و مانند آن هر کفشی است که پاها را کامل بپوشاند (از جمله کعبین را، مانند پوتین).

جوراب: چیزی است که انسان پاهایش را با آن می‌پوشاند و از جنس پارچه و مانند آن است.

حکمت مشروعیت مسح بر خُفین:

حکمت از مسح بر موزه، آسانگیری و تخفیف بر مسلمانان است تا آنکه با در آوردن موزه یا جوراب و شستن پاها به مشقت نیفتند، به ویژه در هنگام زمستان و سرمای شدید و در سفر.

مدت مسح:

مقیم: یک شبانه روز (۲۴ ساعت).

مسافر: سه شبانه روز (۷۲ ساعت).

حساب این مدت مسح، از اولین مسح بر خفین یا جوراب پس از بی‌وضو شدن آغاز می‌شود.

روش مسح بر خفین یا جوراب‌ها:

۱- دست‌ها خیس می‌شوند.

۲- دست بر روی پا کشیده می‌شود (از نوک انگشتان پا تا اول ساق).

۳- پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح می‌شود.

باطل کننده‌های مسح:

۱- هر آنچه غسل را واجب کند.

۲- پایان مدت مسح.

غسل

اگر مرد یا زن جماع کند یا منی همراه با شهوت از آنها در بیداری یا خواب خارج شود، غسل بر آنها واجب می‌شود تا بتوانند نماز بخوانند یا کارهایی که نیازمند طهارت است، انجام دهند. همچنین زن وقتی از حیض و نفاس پاک می‌شود، غسل بر او واجب می‌شود تا بتواند نمازها یا کارهایی که نیازمند طهارت است، انجام دهد.

روش غسل اینگونه است:

اینکه آب را به هر شکل به همه بدنش برساند، از جمله آب در دهان و بینی کردن؛ پس هرگاه آب به همه بدنش رسید، حدث اکبر او به پایان می‌رسد و طهارتش کامل می‌شود.

انجام این کارها بر شخص جُنُب ممنوع است، تا آنکه غسل کند:

۱- نماز.

۲- طواف کعبه.

۳- ماندن در مسجد. عبور از مسجد بدون مکث در آن برای او جایز است.

۴- لمس مُصَحَف (قرآن).

۵- قرائت قرآن.

تیمم

اگر مسلمان برای طهارت آب نیافت یا به سبب بیماری و مانند آن نتوانست از آب استفاده کند و ترسید که وقت نمازش بگذرد، با خاک تیمم می‌کند.

روش آن اینگونه است که با دستانش یک ضربه [بر خاک] می‌زند، سپس با آن فقط چهره و کف دستانش را مسح می‌کند و شرط است که خاک مورد نظر پاک باشد.

تیمم با این موارد باطل می‌شود:

۱- تیمم با هر چیزی که وضو را باطل می‌کند، باطل می‌شود.

۲- اگر پیش از انجام عبادت مورد نظر که برایش تیمم کرده، آب پیدا شود یا توانایی استفاده از آب را پیدا کند.

نماز را فرا می‌گیریم

الله متعال پنج نماز در شبانه روز را بر مسلمان فرض کرده است: نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء. تعداد رکعت‌های نماز صبح دو رکعت است. و تعداد رکعت‌های نماز ظهر چهار رکعت است؛ و تعداد رکعت‌های نماز عصر چهار رکعت است؛ و تعداد رکعت‌های نماز مغرب سه رکعت است؛ و تعداد رکعت‌های نماز عشاء چهار رکعت است.

برای نماز آماده می‌شوم

هرگاه وقت نماز فرا رسید، مسلمان خود را از حدث اصغر و حدث اکبر پاک می‌کند، اگر دچار حدث اکبر بود.

حدث اکبر یعنی: هر آنچه غسل را بر مسلمان واجب می‌سازد.

حدث اصغر یعنی: هر آنچه وضو را بر مسلمان واجب می‌سازد.

مسلمان با لباس پاک، در جایی پاک از نجاسات و درحالی‌که عورت خود را پوشانده است، نماز را به جا می‌آورد.

مسلمان با لباسی شایسته در وقت نماز حاضر می‌شود بدن خود را می‌پوشاند؛ برای مرد جایز نیست که در هنگام نماز بخشی از بدن او در بین ناف و زانو آشکار باشد.

برای زن واجب است که در هنگام نماز، همه بدن خود را به جز چهره و کف دست بپوشاند.

مسلمان در نماز سخنی نمی‌گوید مگر اذکار و اوراد مخصوص نماز؛ و به امام گوش فرا می‌دهد و در نمازش به این سو و آن سو توجه نمی‌کند؛ و اگر نتوانست اذکار و اقوال خاص نماز را حفظ کند، ذکر و تسبیح پروردگار را به جای می‌آورد تا نمازش به پایان برسد؛ و باید هر چه زودتر نماز و اقوال نماز را فرا بگیرد.

نماز را فرا می‌گیرم

گام اول: نیت برای فریضه‌ای که می‌خواهم انجام دهم و محل نیت دل است.

پس از وضو رو به قبله می‌ایستم و اگر توانایی ایستادن دارم، ایستاده نماز می‌گذارم.

گام دوم: دستانم را تا برابر شانه‌هایم بالا می‌برم و می‌گویم: «الله اکبر» و نیت وارد شدن به نماز می‌کنم.

گام سوم: دعای استفتاح را چنانکه در سنت آمده می‌خوانم. از جمله این دعا: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ). «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» «تنزیه و ستایش تو را می‌گویم. نامت خجسته است و کبریا و عظمت تو والا است و معبودی به حق جز تو نیست».

گام چهارم: از شیطان رجیم به الله پناه می‌برم و می‌گویم:
(أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ). «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ» «از شیطان رانده شده به الله پناه می‌برم».

گام پنجم: سورة فاتحه را در همه رکعات می‌خوانم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ (3) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4) إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5) اهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7).

به نام الله بخشنده مهربان (۱)

ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است
(۲)

رحمت گستر مهربان (۳)

مالک روز جزاست (۴)

[پروردگارا] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری
[و مدد] می‌جوییم (۵)

ما را به راه راست هدایت فرما [و همواره ثابت قدم
بگردان] (۶)

راه کسانی [همچون پیامبران، شهیدان، راستگویان و
نیکوکاران] که به آنان نعمت داده‌ای، نه [راه] کسانی که بر

آنان خشم گرفته شده است [= یهود] و نه [راه] گمراهان [= نصاری] (۷)

پس از سورة فاتحه در رکعت اول و دوم، آنچه از قرآن
برایم امکان داشت می‌خوانم و این کار واجب نیست، اما
انجامش پاداش فراوان دارد.

گام ششم: «الله اکبر» می‌گویم و به رکوع می‌روم تا جایی
که کمرم صاف (در یک خط) قرار گیرد و دستانم را
درحالی‌که انگشتانم باز است، بر زانو می‌گذارم، سپس در
رکوع می‌گویم: «سبحان ربي العظيم» (پاک و منزّه است
پروردگار بزرگ من).

گام هفتم: از رکوع بلند می‌شوم و «سمع الله لمن حمده»
(الله آنکه حمدش را گفت، شنید) می‌گویم و دستانم را تا
موازات شانه‌ها بالا می‌آورم و هنگامی که راست ایستادم
می‌گویم: «ربنا ولك الحمد» (پروردگارا ستایش برای
توست).

گام هشتم: «الله اکبر» می‌گویم و بر دو دست و دو زانو و
دو پا و پیشانی و بینی به سجده می‌روم و در حال سجده
می‌گویم: «سبحان ربي الأعلى» (پاک و منزّه است پروردگار
والای من).

گام نهم: «الله اکبر» می‌گویم و از سجده برمی‌خیزم تا آنکه
کاملاً بنشینم و کمرم صاف شود و بر پای چپ می‌نشینم و پای

راست را عمود بر زمین قرار می‌دهم و می‌گویم: «رب اغفر لی» (پروردگارا مرا مغفرت کن).

گام دهم: «الله اکبر» می‌گویم و بار دیگر مانند سجده اول به سجده می‌روم.

گام یازدهم: سر از سجده برمی‌دارم و «الله اکبر» می‌گویم تا آنکه کاملاً بایستم و سپس دیگر رکعات نماز را مانند رکعت اول انجام می‌دهم.

پس از رکعت دوم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا، برای خواندن تشهد اول می‌نشینم. صیغه تشهد اینگونه است: (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ) «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» (همه بزرگداشت‌ها و درودها و پاکی‌ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است). سپس برای انجام رکعت سوم برمی‌خیزم.

در رکعت پایانی هر نماز برای خواندن تشهد پایانی می‌نشینم و می‌گویم: (التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

اللهم صلّ على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد. اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد) «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (همه بزرگداشت‌ها و درودها و پاکی‌ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است، خداوندا بر محمد و بر خاندان محمد درود بفرست چنانکه بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم درود ارزانی داشتی، تو ستوده شده و با شکوهی. خداوندا بر محمد و بر خاندان محمد برکت ارزانی دار، چنانکه بر ابراهیم و بر خاندان ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و با شکوهی).

گام دوازدهم: پس از آن به سمت راستم سلام کرده می‌گویم: «السلام علیکم ورحمة الله» و به سمت چپم سلام کرده و می‌گویم: «السلام علیکم ورحمة الله» و نیت خارج شدن از نماز می‌کنم و اینگونه نماز را به پایان می‌رسانم و ادا می‌کنم.

حجاب زن مسلمان

الله تعالى می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

«ای پیامبر، به همسران و دخترانت و دیگر زنان مؤمن بگو که چادرهایشان را به شایستگی بر [سر و سینه] خویش بپوشانند. این [گونه پوشش] مناسبتر است به اینکه [در جامعه به متانت و وقار] شناخته شوند و [در نتیجه،] مورد آزار [افراد هرزه] قرار نگیرند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است.» [احزاب: ۵۹].

الله متعال بر زنان مسلمان حجاب و پوشش عورت و همهٔ بدن را در برابر مردان نامحرم با همان پوشش رایج در منطقه‌ی‌شان واجب نموده است؛ و برای آنان برداشتن حجاب جایز نیست مگر در برابر همسر یا محارم‌شان؛ و منظور از محارم کسانی است که برای زن مسلمان، تا ابد ازدواج با آنان حرام است، یعنی: «پدر و هر چه بالاتر رود (پدر بزرگ، پدر پدر بزرگ و...)، فرزند و هر چه پایین‌تر رود (نوه، فرزند نوه و...)، عموها، دایی‌ها، برادر و فرزند برادر و فرزند خواهر و شوهر مادر زمانی که با مادر جماع کرده باشد و پدر شوهر و بالاتر (پدر بزرگ شوهر و...) و فرزند شوهر و هر چه پایین‌تر رود (نوهٔ شوهر و...) و شوهر دختر

و همه‌ی مواردی که به سبب نسب حرام هستند به سبب شیرخوارگی و رضاعت حرام می‌باشند».

زن مسلمان چند ضابطه را در لباس خود رعایت می‌کند:
نخست: پوشاندن همه بدن.

دوم: لباسی نباشد که زن به قصد زینت می‌پوشد.

سوم: شفاف نباشد چنانکه بدن از پشت آن مشخص شود.

چهارم: گشاد باشد و تنگ نباشد و بدن او را جلوه ندهد و در اصطلاح بدن‌نما نباشد.

پنجم: معطر نباشد.

ششم: شبیه به لباس مردان نباشد.

هفتم: شبیه به لباس زنان غیرمسلمان نباشد که در هنگام عبادت یا در اعیادشان می‌پوشند.

برخی از صفات مؤمنان:

الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾

«بی‌تردید، مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی الله یاد می‌شود، دل‌های‌شان بترسد و هرگاه آیاتش بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمان‌شان می‌افزاید و بر پروردگارشان توکل می‌کنند». [انفال: ۲].

- راستگو است و دروغ نمی‌گوید.
- به پیمان و وعده‌اش وفا می‌کند.
- در دشمنی حق‌کشی نمی‌کند.
- امانت را ادا می‌کند.
- برای برادر مسلمانانش همان چیزی را می‌پسندد که برای خود می‌پسندد.
- بخشنده و سخاوتمند است.
- به مردم نیکی می‌کند.
- پیوند خویشاوندی را بجا می‌آورد.
- به تقدیر الله خشنود است و در خوشی‌ها شکرگزار است و در سختی‌ها صبر پیشه می‌کند.
- با حیا است.
- در حق خلاق مهربان است.
- دل او از کینه و اعضای او از تعدی به دیگران پاک است.
- از مردم می‌گذرد.
- ربا نمی‌خورد و معامله ربوی نمی‌کند.
- زنا نمی‌کند.
- شراب (مست کننده) نمی‌نوشد.

- به همسایگان خود نیکی می‌کند.

- ستم نمی‌ورزد و خیانت نمی‌کند.

- دزدی و کلاهبرداری نمی‌کند.

- در حق پدر و مادر خود نیکوکار است، حتی اگر مسلمان نباشند و در امور نیک از آنان اطاعت می‌کند.

- فرزندان خود را بر اساس فضیلت تربیت می‌کند و آنان را به انجام واجبات شرعی امر می‌کند و از رذیلت و حرام باز می‌دارد.

- در کارهای دینی غیر مسلمانان یا در عاداتی که از ویژگی‌ها و شاخصه‌های آنان است، خود را به آنها شبیه نمی‌سازد.

خوشبختی من در دینم اسلام است

الله تعالی می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

«هر کسی که عمل صالحی انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و مسلماً پاداش‌شان را به [حسب] بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، به آنها می‌دهیم». [نحل: ۹۷].

از بزرگترین عوامل شادی و گشایش سینه و خوشبختی قلبی مسلمان، ارتباط مستقیم او با پرورگارش است، ارتباطی که هیچ واسطه‌ای اعم از زندگان یا مردگان یا بت‌ها در آن نیست. الله تعالی در کتاب گرامی‌اش بیان داشته که وی همواره به بندگان نزدیک است و آنان را می‌شنود و دعای‌شان را اجابت می‌کند، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ دَعْوَةُ الدَّاعِ إِذَا دَعَا ۚ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾

«و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم. پس [آنان] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند». [بقره: ۱۸۶]. الله سبحانه و تعالی ما را امر نموده تا او را به دعا بخوانیم؛ و دعا را از بزرگترین عباداتی قرار داده که مسلمان با آن به پروردگارش تقرب می‌جوید؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم». [غافر: ۶۰] بنابراین مسلمان شایسته همواره به پروردگارش نیازمند است و به درگاه او دعا می‌کند و با عبادات نیک به او تقرب می‌جوید.

الله تعالی ما را برای حکمتی بس بزرگ خلق نموده و بیهوده نیافریده است؛ آن هدف بزرگ عبادت الله به یگانگی

است؛ و برای ما دینی ربانی و فراگیر وضع نموده که همه امور خصوصی و عمومی زندگی ما را نظم و ترتیب داده و سامان می‌بخشد؛ و با این شریعت دادگرانه، همه ضرورت‌های زندگی یعنی دین و جان و آبرو و عقل و مال ما را حفظ کرده است. کسی که با پیروی از اوامر شرع و دوری از حرام‌ها زندگی کند، این ضرورت‌ها را حفظ کرده و بدون شک خوشبخت و آرام خواهد زیست.

ارتباط مسلمان با پروردگارش رابطه‌ای عمیق است که ارمغان آن راحتی و آرامش درونی و احساس امنیت و سرور است؛ و باعث می‌شود بنده معیت الهی و عنایت و طرفداری او از بنده مؤمنش را حس کند. الله تعالی می‌فرماید:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

«الله یاور کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد». [بقره: ۲۵۷].

این رابطه والا حالتی است درونی که با احساس شیرینی ایمان، لذت بردن از عبادت پروردگار رحمان و شوق دیدار او و پرواز دل در آسمان سعادت را در پی دارد.

این شیرینی را نمی‌تواند توصیف کند مگر کسی که با انجام طاعات و دوری از گناهان تجربه‌اش کرده باشد، از این روی پیامبر خدا محمد - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: (ذاق طعم الإیمان من رضي بالله رباً وبالإسلام ديناً وبمحمد رسولاً). «مزه ایمان را کسی می‌چشد که از الله به عنوان پروردگار و اسلام به عنوان دین و محمد به عنوان پیامبر خشنود باشد».

آری اگر انسان حضور دائمی خود در پیشگاه پروردگارش را به یاد داشته باشد و او را با نامهای نیکش و صفات و الایش بشناسد و الله را چنان عبادت کند که گویا او را می بیند و در عبادتش برای الله اخلاص ورزد و هدفی جز خشنودی او جل جلاله نداشته باشد، زندگی پاک و سعادت‌مندانه را در دنیا و عاقبت نیک را در آخرت خواهد زیست.

حتی مصیبت‌هایی که در دنیا برای مؤمن رخ می‌دهد، داغ آنها را خنکی یقین و خشنودی به تقدیر الله تعالی و ستایش او در برابر همه تقدیرهای خیر یا شر خداوندی و خشنودی کامل به آن از بین می‌برد.

از دیگر اموری که لازم است یک مسلمان برای بیشتر شدن سعادت و آرامش خود به آن توجه کند، ذکر بسیار الله تعالی و تلاوت قرآن کریم است. الله تعالی می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

«کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد الله آرام می‌گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرد.» [رعد: ۲۸]. و هر چقدر یک مسلمان بر یاد الله و تلاوت قرآن بیفزاید، ارتباط او با الله تعالی بیشتر می‌شود و نفس او پاک شده و بر ایمانش افزوده می‌شود.

همین‌طور برای مسلمان لازم است که به آموختن امور دینش از منابع صحیح توجه کند تا آنکه الله را بر اساس بینش درست عبادت کند. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید:

(طلب العلم فريضة على كل مسلم)، «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»، و اینکه تسلیم اوامر الله متعال و فرمانبردار او باشد که او را آفریده است، چه حکمت این اوامر را بداند یا خیر؛ زیرا الله تعالی در کتاب گرامی اش می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾

«برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می دهند، [در اجرای آن فرمان،] اختیاری داشته باشد؛ و هرکس از الله و رسولش نافرمانی کند، حقا که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است». [الأحزاب: ۳۶].

و درود الله متعال بر پیامبرمان محمد و بر خاندان ایشان و همه اصحابشان باد.

پایان.

فهرست موضوعات

شماره

موضوع

صفحه

بازگشت به جلد کتاب

انتقال به فهرست موضوعات

تجربه‌ی‌تان از این کتاب را با ما به اشتراک بگذارید
از سایت دیدن فرمایید
کتاب تعاملی برای موبایل
برای انتقال به موضوع کلیک کنید
برای بازگشت به جلد کتاب کلیک کنید
بارکد را اسکن کنید
اسلاید آموزشی (پاورپوینت)
محصولات پروژه
کتاب چاپی
کتاب موبایل
وب سایت
نمایش پاورپوینت
نسخه ویژه موبایل هوشمند

فهرست

2	مختصر و مفید برای مسلمان جدید
2	مقدمه
4	پروردگار من الله است
7	پیامبرم - محمد صلی الله علیه و سلم - است
9	قرآن سخن پروردگار من است
9	:آشنایی با ارکان اسلام
14	آشنایی با ارکان ایمان
22	وضو را یاد می گیرم
26	مسح بر خفین و جوراب ها
28	غسل
29	تیمم
30	نماز را فرا می گیرم
36	حجاب زن مسلمان
39	خوشبختی من در دینم اسلام است